

مجموعه
خاطرات
سیاسی

۲

باب وود وارد
ترجمه حسن اکبری بیرق

وحشت

ترامپ در کاخ سفید



یادداشت شخصی نویسنده

از اولن ام دافی، دستیارم در پنج کتابی که درباره چهار رئیس جمهور نوشته‌ام، صمیمانه سپاسگزارم. رئیس جمهور ترامپ، به خاطر عواطف و احساسات عمیقی که در حامیان و منتقدان برمی‌انگیزد، همچون مانعی خاص عمل می‌کند. اولن بلافاصله دریافت که چالش موجود، گرفتن اطلاعات جدید، راستی‌آزمایی و قرار دادن آن در بستر مناسبی در کتاب است؛ به گونه‌ای که به‌قدر مقدور گزارشی دقیق از کاخ سفید به دست بدهیم.

اولن می‌دانست این بخشی از تاریخ است و تا هنوز خاطرات، تازه‌اند و مدارک و یادداشت‌ها موجود است، می‌بایست حتی‌الامکان عجله کنیم. گاه تحقیق می‌کردیم، مصاحبه می‌کردیم، رونویسی و بازنویسی بخش‌هایی از کتاب را در یک یا دو روز انجام می‌دادیم که مسائل سیاست خارجی را از کُرّه شمالی تا افغانستان و خاورمیانه گرفته تا گستره‌ای کامل از مسائل داخلی از قبیل تجارت، مهاجرت و مالیات را پوشش می‌دادیم.

او اطمینان حاصل می‌کرد که ما گزارش را حول و حوش صحنه‌های خاص با تاریخ‌های خاص، شرکت‌کنندگان مشخص و نقل آنچه روی داده است، ساخته و پرداخته می‌کنیم.

اولن، دارای وجدان کاری برجسته، انصافی مثال‌زدنی، کنجکاوی و صداقت است. او برای من بسته‌های پروپیمانی را از تحقیقات، سوابق، گاه‌شماری‌ها، ویدئوها، نظرات خودش، فهرستی از سؤالات بی‌پاسخ مهم و مصاحبه‌هایی که باید پیگیری شوند، فراهم کرد.

اولن، همچون یک دستیار نویسنده، قوه تشخیص بی‌پایان و خردش را به‌عنوان یک همکار تمام‌وکمال و بسیار پرتلاش، در اختیار من قرار داد.

سخنی با خوانندگان

مصاحبه‌های انجام‌شده برای این کتاب، بر اساس قانون روزنامه‌نگاری «سوابق مخفی» صورت گرفته‌اند؛ بدان معنا که همه اطلاعات مستندند، اما من مجاز به افشای منبع خبر خود نیستم. این کتاب از صدها ساعت مصاحبه با حضار و شاهدان دست‌اول رویدادها گرد آمده است. تقریباً همه افراد مورد مصاحبه به من اجازه دادند گفتگوهایمان را ضبط کنم تا گزارش به‌دست آمده، از دقت بیشتری برخوردار باشد. نقل قول‌ها، اندیشه‌ها یا داوری‌هایی که با دقت و امانت به شرکت‌کنندگان در مصاحبه، نسبت داده‌ام، بر پایه اطلاعاتی است که از اشخاص مختلف یا همکاری که اشراف کافی به موضوع داشته و یا از یادداشت‌برداری‌های جلسات، دفتر خاطرات شخصی، پرونده‌ها و مدارک دولتی یا شخصی استخراج شده است.

رئیس جمهور ترامپ از مصاحبه برای این کتاب خودداری ورزید.

می‌پنداشت، می‌توانست به ازهم‌گسیختگی کل رابطه دو کشور بینجامد. کوهن نمی‌توانست باور کند که رئیس‌جمهور ترامپ بر سر از دست دادن امتیازات جاسوسی حیاتی برای امنیت ملی آمریکا ریسک کند. این‌ها همه از خشم ترامپ از کسری تجاری ۱۸ میلیارد دلاری ایالات متحده با کره جنوبی ناشی می‌شد؛ در حالی که آمریکا سالانه ۳/۵ میلیارد دلار برای حفظ نیروهای نظامی خود در آنجا هزینه می‌کرد.

علی‌رغم گزارش‌های تقریباً روزانه از هرج‌ومرج و قیل‌وقال در کاخ سفید، مردم نمی‌دانستند که شرایط داخلی واقعاً تا چه حد بد بود. ترامپ همیشه از یک شاخه به شاخه دیگر می‌پرید، به ندرت باثبات، و اغلب دمدمی مزاج بود. ناگهان خلُقش تنگ می‌شد. با هر مسئله کوچک و بزرگی از کوره در می‌رفت و درباره پیمان تجاری کوروس می‌گفت: «ما امروز از این قرارداد خارج می‌شویم.»

اما اکنون نامه مورخ پنجم سپتامبر ۲۰۱۷ به جرقه‌ای بالقوه می‌مانست که می‌توانست برای امنیت ملی، فاجعه بیافریند. کوهن نگران بود که ترامپ به محض دیدن نامه امضایش کند. کوهن پیش‌نویس نامه را از روی میز مخصوص رئیس‌جمهور برداشت؛ در پوشه‌ای آبی گذاشته و روی آن نوشت: «فعلاً بماند.» او بعدها به یکی از دستیارانش گفت: «من آن نامه را از روی میز بلند کردم و نگذاشتم چشمش به آن بیفتد. هرگز آن سند را نخواهد دید. بالاخره باید از کشور محافظت کرد.» در آن بی‌نظمی و نابسامانی کاخ سفید و ذهن ترامپ، رئیس‌جمهور هرگز متوجه گم شدن نامه نشد.

معمولاً راب پورتر، دبیر ستاد و مدیر امور اداری ریاست‌جمهوری، مسئول نگارش چنین نامه‌هایی به رئیس‌جمهور کره جنوبی بود؛ اما این بار به‌طور نگران‌کننده‌ای پیش‌نویس نامه از طریق کانالی نامعلوم به ترامپ رسیده بود. دبیری ستاد، یکی از پست‌های در سایه، اما حیاتی در هر کاخ سفیدی است. پورتر، ماه‌ها بود که ترامپ را در جریان یادداشت‌های تصمیم‌ساز و دیگر مدارک ریاست‌جمهوری قرار می‌داده که شامل حساس‌ترین مجوزهای امنیت ملی برای فعالیت‌های نظامی و امور سرّی سازمان سیاست.

پورتر با ۶ فوت و ۴ اینچ قد، لاغرِ مفرط، ۴۰ سال سن و تربیت آیین مسیحی مورمون، یکی از مردان در سایه بود؛ مردی تشکیلاتی با کمترین نمود که در دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد درس خوانده و بورسیه رودز را دریافت کرده بود. پورتر بعداً متوجه شد که چند نسخه از پیش‌نویس نامه موجود است؛ او یا کوهن اشتراک مساعی کردند که هیچ نسخه‌ای روی میز رئیس‌جمهور باقی نمانده باشد. کوهن و پورتر دست‌به‌یکدیگر کرده

مقدمه

در آغازین روزهای سپتامبر ۲۰۱۷، در هشتمین ماه ریاست‌جمهوری ترامپ، گری کوهن، رئیس پیشین شرکت گلدمن‌ساکس و مشاور ارشد اقتصادی رئیس‌جمهور در کاخ سفید، با قدم‌هایی محتاط به طرف میز مخصوص رئیس‌جمهور در دفتر ریاست‌جمهوری حرکت کرد. کوهن در ۲۷ سالی که در گلدمن کار کرد، با ۶ فوت و ۳ اینچ قد، سری طاس و شخصیتی گستاخ و پر از اعتمادبه‌نفس، میلیاردها دلار برای مشتریانش و صدها میلیون برای خودش پول ساخته بود. کوهن این اجازه را از ترامپ گرفته بود که بدون هماهنگی وارد دفتر رئیس‌جمهور شود و او هم مخالفتی با این امر نداشت.

روی میز، پیش‌نویس نامه‌ای یک‌صفحه‌ای از طرف ترامپ، خطاب به رئیس‌جمهور کره جنوبی بود که پیمان تجارت آزاد آمریکا-کره، موسوم به کوروس را لغو می‌کرد. کوهن وحشت کرد. ماه‌ها بود که ترامپ تهدید کرده بود که از این موافقت‌نامه خارج خواهد شد؛ قراردادی که یکی از بنیان‌های روابط اقتصادی، پیمان نظامی و مهم‌تر از همه، مجموعه عملیات و ظرفیت‌های فوق‌سری اطلاعاتی بود.

بر اساس قراردادی که به دهه ۱۹۵۰ برمی‌گردد، ایالات متحده ۲۸۵۰۰ نیروی نظامی را در جنوب، مستقر کرد و محرمانه‌ترین و حساس‌ترین برنامه‌های ویژه رهایی (SAP) را دایر نمود که سبب پیشبرد امور محرمانه، کدگذاری جاسوسی و توانایی‌های نظامی شد. حال دیگر، موشک‌های بالستیک قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای را داشتند که احتمالاً آمریکا را در تیررس قرار می‌داد. ۳۸ دقیقه طول خواهد کشید تا موشکی از کره شمالی به لس‌آنجلس برسد. این برنامه‌ها ایالات متحده را قادر ساخت تا بتواند در عرض هفت ثانیه، پرتاب یک موشک بالستیک را از کره شمالی رهگیری کند. مشابه این کار در آلاسکا، ۱۵ دقیقه طول می‌کشید که تفاوت زمانی حیرت‌انگیزی است. توانایی تشخیص یک پرتاب در عرض هفت ثانیه، به نیروی نظامی ایالات متحده این فرصت را می‌داد تا موشک شلیک شده از کره شمالی را سرنگون کند؛ که احتمالاً مهم‌ترین و سری‌ترین عملیات موجود در دولت ایالات متحده است. حضور آمریکا در کره جنوبی ماهیت امنیت ملی را نشان می‌دهد.

خروج از پیمان تجاری کوروس که کره جنوبی آن را برای اقتصاد خود حیاتی